

دروغگویان بزرگ

عرق شرم به تن انسان می شیند وقتی نام چنین رئیس جمهوری به زبان آورده می شود، رئیس جمهور محافظه کار که شنیدن افکارش هم زجرآور است.

احمدی نژاد در دانشگاه کلمبیا ملت ایران را آزادترین ملت دنیا معرفی کرد، دم از حقوق بشر در ایران زد، ایران را بهشت کره زمین خواند. آزادی اندیشه را حق مشروع و مسلم هر ایرانی دانست، این در حالی است که ده ها روزنامه نگار هم اکنون در زندان اوین به سر می برند، دو روزنامه نگار به اعدام محکوم شده اند، روزانه چندین روزنامه و مجله دانشجویی در ایران بسته می شوند، هزاران هزار کتاب و صدها فیلم در وزارت ارشاد وجود دارد که هنوز اجازه چاپ، انتشار و پخش آنها صادر نشده است. کار روزنامه نگاران به جایی رسیده که از بیم بسته شدن روزنامه و یا روانه زندان شدن دست به خودسانسوری می زنند. هزاران زندانی سیاسی در شرایطی بسیار اسفناک و نامساعد به سر می برند.

احمدی نژاد کشورهای دنیا را به مهر ورزی و انسان دوستی دعوت می کند، این در حالی است که جوانان و نوجوانان در ایران به سوی جوخه های دار روانه می شوند. احمدی نژاد حقوق زن و مرد را برابر دانست، این در حالی است که زنان از ابتدائی ترین حقوق خودبرخوردار نیستند، برای پوشش ظاهری آنان هم قانون و مقررات تعیین می شود. در مواردی چون طلاق، سن کیفری، شهادت و سن ازدواج و... حقوقشان پایمال میشود. بیش از سه هزار زن ایرانی در سالهای ۱۹۸۰ در ایران اعدام شدند، بگذریم که مجازات وحشیانه سنگسار که از نظر رئیس قوه قضائیه مجازاتی قانونی نیز محسوب میشود، شامل حال این بانوان نیز می گردد. مثالی به خاطر آمد که ذکرش احتمالاً مفید خواهد بود. ورود خانمها به استادیوم ورزشی برای تماشای یک مسابقه فوتبال ممنوع است. تا کی جمله ی « برو سبزی را پاک کن » باید به بانوان ایرانی توصیه شود؟

به راستی چگونه می توان پیرامون این مقوله « حقوق بشر » گفتگو کرد، وقتی که در ایران دین، خط و مشی سیاسی، ذهنیت، همه و همه چیز به انسان تحمیل می شود. به راستی چگونه می توان در روز روشن این چنین دروغ گفت، چگونه می توان به روی حقیقت پرده سیاه کشید شاید دروغ را هر چه بزرگتر بگوئیم، باور کردن آن آسان تر می شود.

(جائی که انسانها محکوم شدند در فقر و فلاکت زندگی کنند، حقوق بشر ضایع شد.)

طبق آمار رسمی جمهوری اسلامی بیش از ۹ میلیون از جمعیت کشور زیر خط فقر به سر می برند، و بر همگان روشن است که آمار و ارقام اعلام شده از سوی جمهوری اسلامی هیچ گاه موثق نبوده و نیستند و باید این ارقام را در ۲ و یا ۳ ضرب کرد. میلیونها ایرانی هر روز با فقر دست و پنجه نرم می کنند، این در حالی است که دولت میلیونها دلار سالانه برای پشتیبانی از گروههای تروریستی حماس و حزب الله و... اختصاص می دهد و کمک مالی به بولیوی و کشورهای آمریکای لاتین می کند.

دولت احمدی نژاد دروازه های کشور را بیش از پیش به روی کالاهای وارداتی چینی گشود تا بتواند حمایت چینی ها را از آن خود کند، صنعت کفاشی و نساجی ایران را نابود کردند، هزاران هزار کارگر را بیکار کردند و منطقی است که تولید کنندگان داخلی قادر به رقابت با تولید کنندگان خارجی نیستند. در حقیقت سلاله است که سوء مدیریت و فقدان افراد کاردان تیشه به ریشه اقتصاد ایران می زند.

برای حمایت از کوبا اقدام به وارد کردن شکر بیش از نیاز مردم از این کشور نمودند، کارخانه های شکر و قند را به سمت ورشکستگی سوق دادند که نمونه آشکار کنونی آن کارخانه نیشکر هفت تپه می باشد که بیش از میلیونها تومان بدهی به بار آورده است، کارخانه ایی که در حال حاضر کارگران آن برای دریافت حقوق معوقه و خواسته های خود دست به تظاهرات زده اند، بماند که تعدادی از آنان مورد ضرب و شتم قرار گرفته اند و روانه زندان شده اند. دولتتها باید خادم ملت باشند نه حاکم ملت. این در حالی است که جمهوری اسلامی در دستور کارش حکومت استبدادی و فاشیستی را قرار داده است.

در پایان از خود می پرسم به راستی چه آمد بر سر فرزندان این مرز و بوم که این چنین در برابر ظلم و ستم سکوت کرده است، که در جهت پشتیبانی از معلمان و فرهنگیان معترض، کارگران نیشکر هفت تپه، کارگران شرکت واحد، نقض فاحش حقوق بشر از جمله سنگسار، اعدام در ملاء عام، رفتار وحشیانه با دانشجویان و روشنفکران هیچ گامی بر نمی دارد!!!